

کوردستان

ارگان حزب دمکرات کوردستان ایران

تأمین حقوق ملی خلق کره در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

شماره ۷۹۷ سه شنبه ۳۱ فروردین ۱۴۰۰، ۳۰ آوریل ۲۰۲۱

- ۲ • پیکر شهید «لقمان مهفر» با حضور مبارزان دمکرات به خاک سپرده شد
- ۲ • بیانیه شورای سیاستگذاری حزب دمکرات به مناسبت شهادت یکی از اعضای رهبری حزب
- ۳ • جلوگیری اطلاعات رژیم ایران از برگزاری مراسم ترحیم شهید «لقمان مهفر»
- ۳ • دوره ۲۴۸ مقدماتی پیشمرگه کوردستان به اتمام رسید

www.kurdistanmedia.com



سیستم جنایتکار

۷



خلاصه نویسی کتاب
«داعش خشونت شرقی و
نقد عقل هاشیستی»

۶



سانسور، راهکاری از جانب
رژیم‌های دیکتاتوری به
منظور ...

۵



مصاحبه کوردستان

۴

وداع با حماسه آفرین «کیله‌شین و پیران»

سفن
ویرانه
کریم پرویزی

برخی از حاکمیت‌های سیاسی وجود دارند که می‌شود آن‌ها را سیستمی دمکراتیک یا نیمه‌دمکراتیک نامید؛ یا در مورد برخی گفت که سیستم توتالیتر یا تمامیت‌خواه است. با تعریف سیستم سیاسی حاکم بر کشوری، ذهنیت و چهارچوب کلی را نسبت به آن سیستم جهت می‌دهیم و از این چنین سیستمی نیز انتظار اقدام یا اعمالی خواهیم داشت متناسب با تعریف آن. اما برای رژیم جمهوری اسلامی این چنین تعریفی صدق نمی‌کند، چرا که اعمال و اقدامات این رژیم در همچنین چهارچوبی نمی‌گنجد و در حقیقت با این چنین تعریفی این توقع را به وجود آوردیم که این رژیم متناسب با تعریف گفته شده رفتار می‌کند، اما واقعیت چیز دیگری را نشان می‌دهد! روشن‌تر بگوییم، برای رژیم جمهوری اسلامی فقط می‌توان تعریفی همچون «ویرانه» را به کار برد. چرا که غیر از ویران کردن کشور از لحاظ سیاسی و اقتصادی و اجتماعی دستگاه حاکمه نیز به ویرانه‌ای تمام عیار تبدیل شده است؛ درعمل و گفتمان نیز ویرانه‌ای بیش نیست. مسئله فروپاشی اقتصادی و سیاسی از طرفی و وضعیت اسفبار رژیم در مقابله با ویروس کرونا نیز گویای این واقعیت است که رژیم شکست خورده و اعتراف وزیر بهداشت رژیم نیز گواهی بر این حقیقت است. اما مسئله‌ای که بیش از گذشته برای همه عیان می‌باشد، موضع و رفتارهای رژیم در برهه‌های مختلف زمانی می‌باشد که به مثابه رژیمی است مخروبه!

ویرانه بودن این رژیم زمانی آشکارتر می‌شود که، مسئول پرونده سلاح اتمی آن که پاسداری به نام فخری‌زاده بود، کشته شد و مسئولان رژیم نمی‌دانستند که



در ادامه «قادر مهفر» پسر شهید «لقمان» به نمایندگی از خانواده مهفر ضمن تشکر از حضور حضار در مراسم تدفین پدر گفتند: «همچون پدرمان تا آخرین لحظه زندگیمان با حزب و ملتمان خواهیم بود و دست از مبارزه بر نخواهیم داشت.»

مراسم با تقدیم دسته گل به رسم وفا بر مزار شهید «لقمان» از سوی «مصطفی هجری» مسئول اجرایی حزب و پسر شهید «قادر مهفر» به اتمام رسید.

شهید «لقمان مهفر» عضو هیات اجرایی شورای سیاستگذاری حزب دمکرات کوردستان ایران بودند که، صبح شنبه، مورخ ۲۱ فروردین ۱۴۰۰ خورشیدی در یکی از بیمارستان‌های شهر «هولیر» اربیل به دلیل ابتلا به ویروس کرونا شهید شدند.

و زخمی التیام نیافتنی خواهد بود بر پیکر جنبش رهایی‌بخش ملت کورد در کوردستان ایران.

در ادامه «شرفی» به نقش خانواده و به‌ویژه همسر گرمی ایشان پرداختند که چگونه تماماً حامی و مشوق و همکار شهید «لقمان» در امور خانواده و مسائل حزبی بودند.

یکی از دخترهای شهید به نام «که‌لاویژ میه‌فهر» که در اروپا ساکن هستند، شعری را در مدح پدر سروده بودند که توسط «شمال ترغیبی» مجری برنامه تقدیم روح شهید و حضار گردید.

در ادامه «فواد خاکی بیگی» عضو هیات اجرایی حزب بیوگرافی پر بار شهید «لقمان» را قرائت کردند.

«خاکی بیگی» به نقش شهید «لقمان» اشاره کرده و شهادت ایشان را ضایعه‌ای بزرگ برای حزب و خانواده شهید دانستند.

زندگی پر بار و انقلابی شهید لقمان داشتند که در سن جوانی جذب نیروهای حزب و با پشتکار و توانمندی خود به جایگاه رهبری حزب نیز رسیدند.

بعد از سخنان مسئول اجرایی حزب، «حسن شرفی» معاون اول مسئول اجرایی حزب و مسئول شورای سیاستگذاری حزب، به نمایندگی از شورای سیاستگذاری حزب و اعضای رهبری حزب طی سخنانی کوتاه به نقش و زندگی شهید «لقمان مهفر» اشاراتی داشتند.

«شرفی» در سخنان خود به فداکاری‌های بی‌دریغ شهید «لقمان» اشاره کردند که چگونه از روز اول پیوستنشان به صفوف مبارزات حزب تا آخرین روز زندگی‌شان، برای تحقق آرمان‌های حزب که همان آزادی کورد و کوردستان می‌باشد، پیگیرانه مبارزه کردند.

ضایعه از دست دادن ایشان، سنگین

«نه‌ی شهیدان» از سوی نیروی پیشمرگ کوردستان اجرا شد.

در ادامه مراسم «مصطفی هجری» مسئول اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران، طی سخنانی به نقش و شخصیت برجسته شهید «لقمان مهفر» در جریان مبارزات حزب و ملت کورد اشاراتی داشتند.

«هجری» در سخنان خود گفتند: شهید جایگاه والایی در فرهنگ حزب دمکرات کوردستان ایران دارد، این جایگاه فقط به دلیل حضور در صفوف مبارزاتی حزب نیست بلکه به دلیل مبارزه برای آرمان‌های والای ملتی که همانا آزادی و رستگاری کورد و کوردستان می‌باشد، است. به همین خاطر است هر کسی که در راه رهایی ملتش مبارزه کند و شهید شود، جایگاهی والا و ویژه‌ای میان ملت خود خواهد داشت.

«هجری» همچنین اشاره‌ای به

روز شنبه ۲۱ فروردین ۱۴۰۰ خورشیدی، در مراسمی باشکوه و با حضور اعضای رهبری، کادر و پیشمرگه و اعضای حزب و هیات برخی از احزاب و جریان‌های سیاسی و همچنین نمایندگان ادارات حکومت اقلیم کوردستان، آیین تدفین شهید «لقمان مهفر» عضو هیات اجرایی شورای سیاستگذاری و تازه‌ترین شهید حزب برگزار شد.

مراسم با استقبال حضار از پیکر شهید و گلباران کردن وی آغاز شد و با رژه و سان نظامی نیروی پیشمرگ کوردستان، به سوی مزار شهدای حزب حرکت کردند.

بعد از حضور در قبرستان شهدا، سرود ملی کورد «نه‌ی رهبیب» اجرا و با یک دقیقه سکوت حضار به نشان ادای احترام به شهدای کورد و کوردستان، پیکر شهید «لقمان مهفر» به خاک کوردستان سپرده شد.

بعد از تدفین پیکر ایشان سرود

پیکر شهید «لقمان مهفر» با حضور مبارزان دمکرات به خاک سپرده شد



مراسم خاکسپاری شهید «لقمان مهفر» شهید حزب دمکرات کوردستان ایران طی مراسمی باشکوه در آرمگاه شهیدان حزب دمکرات کوردستان ایران برگزار شد. روز شنبه ۲۱ فروردین‌ماه، طی مراسمی باشکوه و با حضور اعضای رهبری، کادر، پیشمهرگه و خانواده‌های حزب دمکرات

و نمایندگان شماری از احزاب و جریانات سیاسی دیگر و نماینده ارگان‌های حکومت اقلیم کوردستان مراسم خاکسپاری پیکر شهید «لقمان مهفر» برگزار شد. پیکر ایشان با سان نظامی نیروی پیشمرگه کوردستان مورد استقبال قرار گرفت و سپس به سوی مزار شهیدان حزب دمکرات روانه شد. در این بخش ازمراسم با خواندن

مستول اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران، به نمایندگی از مرکز شورای سیاستگذاری حزب دمکرات سخنانی را بیان کرد: نامبرده در سخنانش بیان داشت: «شهید در فرهنگ حزب دمکرات بسیارگرانقدراست و به مبارزه وی در حزب منتهی نمی‌شود، بلکه هدف بزرگ وی که آزادی ملت کورد می‌باشد مقدس‌تراست، به همین دلیل کسی که در راه ملت خود شهید شود سربلندی بزرگی را کسب کرده است چون که خود را فدای ملت و خاک وطن کرده است». هجری همچنین افزود: «کاک لوقمان کادر با تجربه واز اعضای رهبری حزب بود که در سنین جوانی به صفوف حزب دمکرات کوردستان ایران ملحق شد و راهای مختلف مبارزه را در حزب طی نمود و در امور اجرایی و عضویت در رهبری، تجربه‌های بسیاری را کسب کرد». سپس «حسن شرفی» معاون

مستول اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران، به نمایندگی از مرکز شورای سیاستگذاری حزب دمکرات سخنانی را بیان کرد: نامبرده در سخنانش اعلام کرد: «شهید لقمان مهفر از همان اوان جوانی علاقه‌مند به مبارزه آزادیخواهانه برای سرزمین خود بود و با سن کم خود به مبارزان دمکرات ملحق شد و در این راه هیچ فداکاری نمانده بود که انجام ندهد، به همین دلیل از دست‌دادن شهید «لقمان مهفر» از میان مبارزان حزب، زخمی عمیق است بر پیکر حزب و خسارتی چشم‌گیر برجنبش آزادی‌خواهانه ملتشان در کوردستان ایران است». شرفی در ادامه گفت: «کاک لقمان اگرچه افکارش زمینه‌ساز بود تا به حزب دمکرات پیبوند خانواده‌اش نیز این فرصت را به شهید لقمان می‌داد که افکارش را عملی کند». در برگه‌ای دیگر از این مراسم یکی خانم «گه‌لاوئژ میهفر» در

بیانیه شورای سیاستگذاری حزب دمکرات به مناسبت شهادت یکی از اعضای رهبری حزب



کوردستان ایران تسلیت گفته و تسلی خاطر برای همه کسانی که از در گذشت ایشان دچار غم و اندوه شدند را آرزومند است.

روح و روان همسنگر شهیدمان شاد و راهشان پر رهرو و به امید تحقق آرزوهایشان
حزب دمکرات کوردستان ایران
شورای سیاست گذاری
۲۱ فروردین ۱۴۰۰ خورشیدی (۱۰ آوریل ۲۰۲۱ میلادی)

به مشی مبارزاتی حزب و آزادی کورد و کوردستان و، به‌همین جهت محبوب همگان بودند. شورای سیاست گذاری حزب دمکرات کوردستان ایران به مناسبت این ضایعه تازه، ضمن اعلام مراتب غم و اندوه خود، در گذشت ایشان را به خانواده گرانقدر و همه فامیل و دوست و آشنایان و اعضای رهبری حزب و همه هواداران، اعضا و کادر و پیشمرگان حزب دمکرات

برعهده داشتند، همچون: مسئول کمیسیون اجتماعی، معاون مسئول کمیسیون سیاسی - نظامی، مسئول کمیسیون رادیو، مسئول مرکز ۲ کوردستان و در کنگره ۱۶ حزب نیز به عنوان عضو شورای سیاست گذاری حزب و آخرین مسئولیت حزبی ایشان هم عضو هیات اجرایی شورای سیاست گذاری حزب بود. شهید لقمان همزمان با فعالیت‌های حزبی، تحصیلات خود را نیز تا مقطع لیسانس حقوق در دانشگاه صلاح‌الدین اربیل ادامه و موفق به اخذ مجوز وکالت با رتبه مشاور شدند. شهید لقمان شخصیتی شناخته شده دارای مجموعه‌ای از خصوصیات بارز انسانی بودند؛ در جریان مبارزه جدی، در کار خستگی ناپذیر و در جامعه نیز خون گرم و دارای روابطی صمیمانه با فامیل، دوست و همسنگران بودند؛ عمیقاً باورمند

و بعدها در صفوف مبارزین حزب دمکرات کوردستان ایران جای گرفت و تا آخرین لحظات زندگی خود از تلاش و مبارزه و انجام وظایف ملی و میهنی کورد و حزب دمکرات کوردستان ایران، پا برجا و تاثیر گذار بودند. همسنگر از دست رفته، لقمان مهفر در جریان مبارزه در صفوف حزب دمکرات کوردستان ایران، چند مسئولیت را عهده‌دار بودند که درانجام همه آنها با فداکاری و احساس مسئولیت، توانایی خود را نشان داده است. شهید لقمان مهفر در کنگره‌های ۹، ۱۱ و ۱۲ حزب به عنوان عضو علی‌البدل کمیته مرکزی منتخب و در کنگره‌های ۱۰، ۱۳، ۱۴ و ۱۵ به عنوان عضو اصی کمیته مرکزی انتخاب شدند. همسنگر از دست رفته‌مان در جریان مبارزات و عضویت در رهبری حزب چند مسئولیت را

پنجه نرم کردن با بیماری کرونا، سحرگاه روز شنبه ۲۱ فروردین ۱۴۰۰ خورشیدی در یکی از بیمارستان‌های شهر "اربیل" در گذشت و همزمان و همسنگرانش را در غمی عمیق و حزب دمکرات را نیز دچار خسارتی نو کرد و راه مبارزه و مقاومت را به همسنگرانش سپرد. از دست دادن این مبارز تنها خسارتی نو برای حزبمان نبود بلکه زخمی تازه است بر پیکر جنبش آزادی‌خواه کورد در کوردستان ایران. شهید لقمان مهفر پسر خورشید در سال ۱۳۴۳ خورشیدی در روستای "مه‌لا عیسی" در منطقه "ده‌شته‌ییلی شتۆ" متولد شد. ایشان در سن نوجوانی جذب جنبش آزادی‌خواه کوردستان شده و در راستای آزادی کورد و رهائی کوردستان در سال ۱۳۵۸ خورشیدی در اتحادیه جوانان حزب دمکرات

شورای سیاست گذاری حزب دمکرات کوردستان ایران به مناسبت شهادت "لقمان مهفر" عضو هیات اجرایی شورای سیاست گذاری حزب، بیانیه‌ای را منتشر کرد. متن بیانیه این چنین است: بیانیه شورای سیاست گذاری حزب دمکرات کوردستان ایران به مناسبت شهادت مبارز دیرین "لقمان مهفر" هم میهنان گرامی دوستداران و حامیان مبارزات آزادی‌خواهی کورد در کوردستان ایران هواداران، اعضا، کادر و پیشمرگان حزب دمکرات کوردستان ایران با نهایت تأسف و تأثر اعلام می‌نماید که رفیق مبارز و فداکار حزبمان، حزب دمکرات کوردستان ایران "لقمان مهفر" عضو هیات اجرایی شورای سیاست گذاری حزب پس از یک ماه دست و

تجدید پیمان پیشمرگه‌های شاخ با خانواده شهید «لقمان مهفر»



شهید "لقمان" نیز ضمن تشکر و قدردانی از حضور پیشمرگه‌ها ابراز داشتند: شهید "لقمان" شهید همه کوردستان است و ادامه‌دهنده راه مبارزاتی ایشان و همه شهدای کوردستان خواهیم بود و در این راه هم همچون گذشته مصرانه حضور خواهیم داشت. پیشمرگه‌های شاخ نیز در این دیدار پیمان تازه کردند تا رسیدن اهداف شهدای کورد و کوردستان که همان آزادی کورد و کوردستان می‌باشد، در سنگرهای مقاومت همچون کوه‌های کوردستان ایستادگی کنند.

"راسان" اشاره کرده و آن را ارج نهادند. پیشمرگه‌های شاخ در این دیدار به گرمی از سوی خانواده شهید "لقمان مهفر" مورد استقبال قرار گرفته و "قادر مهفر" فرزند شهید "لقمان" نیز ضمن قدردانی از پیشمرگه‌ها اعلام کرد: "ما خود را خدمتگذار همه پیشمرگه‌های کوردستان می‌دانیم و مایه سرفرازی ما است که خود را در کنار شما همسنگران پدر شهیدمان می‌بینیم". در این دیدار خانم "خدیجه " همسر

شماری از پیشمرگه‌های نیروی پیشمرگه کوردستان به نمایندگی از پیشمرگه‌های شاخ بر مزار شهید "لقمان مهفر" حاضر شده و با گذاشتن دسته گلی به رسم وفا پیمان تازه کردند تا تحقق اهداف همه شهدای کورد و کوردستان، در سنگرهای مقاومت ایستادگی کنند. این دسته از پیشمرگه‌ها همچنین ضمن دیدار از خانواده شهید "لقمان" و عرض مراتب تسلیت خود، به نقش برجسته ایشان در جریان مبارزات ملت کورد به ویژه



جلوگیری اطلاعات رژیم ایران از برگزاری مراسم ترحیم شهید «لقمان مهفر»

مردم شده است. همچنین اطلاعات رژیم دو برادر شهید «لقمان مهفر» به نام‌های حاجی «عوسمان مهفر» و «فهم مهفر» را تهدید کرده که نباید مراسم ترحیمی برگزار کنند.

آشنایان شهید «لقمان مهفر» به آنها هشدار داده که نباید هیچ مراسم ترحیمی در منزل آنها برگزار شود. همدردی مردم کوردستان در غم از دست دادن شهید «لقمان مهفر» موجب ترس رژیم ایران و تجمع

بر اساس گزارش رسیده به وسایت «کوردستان میدیا»، رژیم ایران از برگزاری مراسم ترحیم شهید «لقمان مهفر» در شهر «شنۆ» جلوگیری می‌کند. اداره اطلاعات رژیم ایران با رصدکردن خانواده پدری و اقوام

دوره ۲۴۸ قدمتی پیشمرگه کوردستان به اتمام رسید

ادامه سخن

چگونه کشته شده و چه اتفاقی افتاده است! هر کدام از سران رژیم سناریویی را مطرح و بعد از مدتی هم سکوت اختیار می‌کنند! در تاسیسات اتمی نظنز که ده‌ها میلیارد دلار هزینه ساخت آن کرده‌اند و به سبب این پرونده صدها میلیارد دلار زیان اقتصادی به کشور زده‌اند و صدها میلیارد دلار از تحریم‌ها به علت سایتهایی مانند نظنز علیه رژیم تصویب شده است، اما در زمان انفجار و ویرانکاری‌های نظنز، سران رژیم نمی‌دانند چه روی داده است و هر کدام چیزی می‌گویند و دست آخر نام نفری را اعلام می‌کنند و ادعا می‌کنند این فرد این کار را انجام داده و از طریق فرودگاه‌های ایران از کشور خارج شده است.

یا معاون فرمانده سپاه تروریست قدسشان می‌میرد و سپاه پاسداران علت آن را ایست قلبی عنوان می‌کند! سخنگوی آنها می‌گوید عارضه شیمیایی داشته است و جان خود را از دست داده است، فردی دیگر می‌گوید مطمئناً «شهید» شده! حتی نمی‌دانند فرمانده ارشد تروریست آنها چگونه مرده است!

بعد از اشاعه ویروس کرونا هم، ولی فقیه با نهایت گستاخی گفت واکسن کرونا خارجی مورد اعتماد نبوده و خرید آن ممنوع است و چند ماه بعد رئیس‌جمهور رژیم می‌گوید بایستی میلیون‌ها واکسن را تزریق و برای ذخیره چندین سال هم واکسن خارجی بخریم! دیگر داستان «مستعان» سپاه پاسداران نیز بماند که می‌گفتند با استفاده از فرانکس و فلان، ویروس را از فاصله دور کشف می‌کنند، همه این حرف‌ها هیچ پشتوانه علمی نداشته و بلوف عظیم در تاریخ علم و دانش بود!

همه این اتفاقات گویای این مسئله هستند که کار از کار گذشته تا نام یا تعریفی استاندارد حتی اصطلاحی همچون دیکتاتور و تمامیت‌خواه برای معرفی این رژیم بکار گرفته شود، بلکه کلمه «دیرانه» تمام و کمال گویای ذات و همچنین نشان دهنده چهره واقعی رژیم حاکم در تهران است.

مریی آموزشگاه تقدیم حضار شد. بعدها پیام دوره ۲۴۸ قدمتی از سوی «توانا عثمانی» شرکت کننده دوره قرائت شد.

در این مراسم شرکت کننده‌گانی که در زمینه «سیاسی - نظامی و نظم و دیسپلین» موفق به کسب مقام اول تا سوم شده بودند، از سوی «علی اشرف مجیدی» و «بداغ بداغی»، جوایز خود را دریافت کردند.

در ادامه مراسم سرودی تحت عنوان «کوردستان» از سوی شرکت کننده‌گان دوره تقدیم حضار شد.

مراسم با اجرای قطعه‌ای آواز کوردی که توسط شرکت کننده «فاروق» اجرا شد، به اتمام رسید.

روز چهارشنبه، ۱۸ فروردین ۱۴۰۰، مراسم اختتامیه دوره قدمتی ۲۴۸ پیشمرگه کوردستان با حضور شماری از کادر، پیشمرگه و مسئولان سیاسی و نظامی پیشمرگه کوردستان، برگزار شد. این مراسم با سرود ملی «ئەوێ پرەقیب» و یک دقیقه سکوت به پاس روان شهدای کورد و کوردستان آغاز شد.

بعد از رژه نظامی شرکت کننده‌گان دوره ماموستا «حمدی حسینی» کادر دستگاه فرماندهی نیروی پیشمرگه، طی سخنانی کوتاه به نقش و دور پیشمرگه در جنبش رهایی بخش ملت کورد اشاره داشتند.

در ادامه گزارش کاری آموزشگاه حزب از سوی «بداغ بداغی»



سه تشکل سیاسی مخالف رژیم ایران در رابطه با قرارداد چین و ایران بیانیه‌ای را منتشر کردند



بی حد و مرز و اقدادی غیر قابل پذیرش بر مردم ایران است. ما معتقد هستیم تا زمانی که حاکمیت جمهوری مردم برسمیت شناخته نشود و نظامی دینی و استبدادی جای خود را به یک جمهوری و دموکراسی فدرالی ندهد، وضعیت اقتصادی - سیاسی مردمان ایران رو به وخامت خواهد گذاشت.

صریح‌ترین راه برای خروج از این بن بست بزرگ، که می‌تواند به پرتگاهی خطرناک تبدیل شود، اتحاد سراسری مردم ایران و اقدامات اعتراضی گسترده در جهت سقوط قطعی و نهایی جمهوری اسلامی است.

کنگره ملیت‌های ایران فدرال شورای دموکراسی خواهان ایران همبستگی برای آزادی و برابری در ایران

همراه با قراردادهای پنهانی در واقع شیوای غیرانسانی و استعمارگرانه است که ملتها را در محاق ورشکستگی اقتصادی و بدهی‌های کلان و طولانی مدت فرو می‌برد. دهه‌ها است که حکومت‌های ایران، از حکومت پادشاهی پهلوی تا جمهوری اسلامی و گروه‌های ضد دموکراسی، همواره اتهام «تجزیه ایران» را متوجه ملیت‌ها و اقوام کرده‌اند در حالی که خود امتیازات اقتصادی و ثروتهای ملی را به ثمن بخش در اختیار قدرتهای خارجی قرار داده‌اند.

ما معتقد هستیم که اجرائی شدن «سند جامع»، با توجه به این که مفاد و جزئیات آن از مردم پنهان شده است، سیاستی است علیه کشور و مردم ایران که در چهل و دو سال گذشته بیشترین رنجهای تحمیل شده از طرف جمهوری اسلامی را تحمل کرده‌اند، ظلمی

همچنین کمبود ارز با توجه به پائین بودن حجم صادرات به گونه ای است که جمهوری اسلامی را فلج کرده است. پائین بودن میزان درآمد دولت و تلاش برای درآمدهای ارزی باعث درگیری‌های مرزی حتی با سوخت بران و کولبران زحمتکش و تهیدست شده است. امضاء «سند جامع ۲۵ ساله» با چین را باید در چارچوبه مشکلات ارزی، سقوط اقتصادی و بن بست سیاسی در جمهوری اسلامی ارزیابی کرد.

تراژدی این امضاء برای مردم ایران بهتر نمایان میشود وقتی سخنگوی دولت اعلام میکند که افشای مفاد «سند جامع» به دستور دولت چین ممنوع شده است! به عبارت روشن هم دولت چین و هم خامنه‌ای و حکومت او بطور علنی مهمترین اختیارات و امتیازاتی که افشاگر سلطه نابرابر این توافق اقتصادی چین بر ایران است را پنهان کرده‌اند.

تجربه‌ی عملی سیاست‌های اقتصادی دولت چین همچون دیگر قدرتهای اقتصادی در جهان تا کنون نمایان کرده که چنین قراردادهائی یک طرفه و بشدت به نفع قدرت‌های اقتصادی و به زیان کشور طرف معامله است. امروزه نمایان است که سرمایه‌گذاری خارجی، و بویژه

بیمارگونه و ایدئولوژیک و همچنین فساد و تبعیض گسترده در کل نظام جمهوری اسلامی است. عدم عدالت، تداوم تبعیض، ناتوانی و ناکارآمدی و سوء مدیریت در اداره کشور از یکسو، و فشار اقتصادی و سیاسی جهانی بر علیه رفتارهای خشونت بار جمهوری اسلامی علیه مردمان ایران و کشورهای خاورمیانه، این رژیم را در مرحله‌ای قرار داده است که رهبر مذهبی آن را وادار نمود تا از چند سال پیش برای نجات حکومتش دست به دامن قدرت اقتصادی توسعه طلب چین شود که تنها در پی تامین منافع خود و سودجویی است.

آمارهای رسمی نشان می‌دهند، واردات نفت چین از ایران روزانه کمتر از ۸۰ هزار بشکه بوده است. در ضمن بخشی از نفت صادراتی ایران را برای تسویه بدهی جمهوری اسلامی دریافت می‌کنند و پولی بابت آن به او نمی‌رسد.

بر اساس ارزیابی صندوق بین‌المللی پول، بدهی‌های دولت ایران در سال ۹۷ حدود ۱۲۱ میلیارد دلار بود، اما پارسال به ۲۳۹ میلیارد دلار اوج گرفت و امسال به ۲۶۹ میلیارد دلار بالغ خواهد شد.

وابستگی جمهوری اسلامی به اقتصاد و نوسانات بازار جهانی،

کنگره ملیت‌های ایران فدرال، شورای دموکراسی خواهان ایران و همبستگی برای آزادی و برابری در ایران در رابطه با «سند جامع» همکاری‌های ایران و چین بیانیه‌ای را منتشر کردند.

متن بیانیه بدین شرح است:
«سند جامع» همکاری‌های ایران و چین در جهت استمرار نظام فاسد جمهوری اسلامی و علیه مردم ایران است!

تاریخ ایران مملو از قراردادهای خفت باری است که توسط حکومت‌های مرکزی با کشورهای مختلف که سلطه نظامی و استعماری بر ایران برقرار کرده بودند، منعقد شد و همواره بخشی از ثروتهای ملی ایران بعنوان باج به منظور حفظ و بقای حکومت‌ها به کشورهای دیگر واگذار گردید. به زبانی ساده حاکمان ایران استعمار را به فرصتی برای تداوم استبداد تبدیل کردند.

آنچه مردم ایران امروز با آن روبرو شده اند یک تراژدی واقعی است، جمهوری اسلامی جهت تداوم نظام خود، همچون نظام گذشته، ایران را به جولانگاه یک قدرت اقتصادی جهان تبدیل کرده است. شکست اقتصادی جمهوری اسلامی در تمام دهه‌های گذشته، نتیجه سیاست‌های توسعه‌طلبانه

کاوه آهنگری: با برجام یا بدون برجام، جمهوری اسلامی در مقابل مردمان معترض ایران قرار خواهد گرفت



مصاحبه: کوردستان

پس از روی کارآمدن جو بایدن رئیس جمهور ایالات متحده بازگشت این کشور به برجام که توافقی بین کشورهای ۵+۱ با ایران بود در سیاست‌های خارجی و مد نظر بایدن قرار گرفت. اکنون مذاکراتی بدون حضور آمریکا در وین پاتیخت اتریش جاری است. در این زمینه روزنامه کوردستان بخش فارسی با کاوه آهنگری فعال سیاسی در خارج از کشور مصاحبه‌ای ترتیب داده است.

مذاکرات جاری بدون حضور آمریکا با همه خوشبینی‌های آمریکا به کجا ختم خواهد شد؟

پیش از هرچیزی لازم است عرض کنم که اگرچه فعلا و تا بحال هئیت ایالات متحده آمریکا در مذاکرات وین شرکت نکرده است، ولی هئیت آمریکایی با هئیت نمایندگی پنج کشور -به غیر از ایران- که شرکت دارند، گفتگو داشته و پیگیر مسائل است. اما این مذاکرات به کجا خواهد کشید به باور من به هردو طرف مذاکره مرتبط است بویژه جمهوری اسلامی و ایالات متحده. بر این باورم که جمهوری اسلامی ناچار به نوشیدن جام زهری دیگر و نرمشی منحصر بفردتر خواهد شد. اما این نرمش پس از تحمیل

شرایطی انجام می‌گیرد که برخی از موارد مورد مذاکره به نتیجه نهایی برسند. اگرچه امکان دارد جمهوری اسلامی در این میان به ظاهر تضمینهایی در رابطه با فروش نفت(محدود) و یکسری مکانیزمهای رد و بدل پول از طرفین بگیرد، اما احتمال اینکه این امتیازات گسترده و همیشگی نباشند بسیار زیاد است.

آینده ایران با هشدارهای جدی اسرائیل مبنی بر عدم پذیرش ایران اتمی در منطقه چه می‌شود؟

دولت اسرائیل بارها با شفافیت تمام اعلام کرده است که ایران اتمی را تحمل نخواهد کرد. انفجار اخیر در نظنز مدرکی است بر این ادعا. دلیل این عدم تحمل هم به ماهیت جمهوری اسلامی و سیاستهای منطقه‌ای آن برمی‌گردد. رژیم‌های که از روز اول سر کار آمدنش شعار نابودی اسرائیل را علم کرده‌است، پس این حق را هم باید به اسرائیل داد که ابزار و توانایی نابودی اسرائیل را در دست رژیم‌های تروریستی تحمل نکند. با این اوصاف و با توجه به درگیریهایی نیابتی در پیرامون اسرائیل و ایران، امکان وقوع درگیری شدیدتر و میدانی‌تر نیز در میان می‌باشد. بعلاوه با توجه به اینکه دیوار یا عایق‌بندی امنیتی رژیم رژیم به پائین‌ترین حد خود رسیده‌است، احتمال وقوع اتفاقاتی در داخل ایران که خارج از کنترل سران رژیم باشد نیز وجود دارد.

تحریم‌های اقتصادی وضع شده علیه ایران گره خورده به برنامه هسته‌ای می‌باشد، سرانجام این تحریم‌ها چه خواهد شد؟

اگرچه جمهوری اسلامی رفع تحریمها را بعنوان پیش‌شرط مذاکرات اعلام کرده‌است، اما به باور من امروز طرفهای مقابل جمهوری اسلامی دست بالا دارند و احتمال تحمیل شرایط جدیدتر بر جمهوری اسلامی را هم وجود دارد. تحریمها اقتصاد ایران را به لبه پرتگاه رسانده و شدت ذخیره ارزی آن را ضعیف کرده‌است. مردمان ایران ناراضی و حداکثر مردمان ایران در فقر و انواع بحران بسر می‌برند. اگرچه جمهوری اسلامی خرج بلندپروازیهای نظامی و سیاسی خود را در منطقه تا بحال از نان و سفره مردم تامین کرده‌است ولی ادامه این وضع به مرز ناممکن رسیده‌است. به همین دلیل بر این باورم احتمال رفع تمامی تحریمها از سوی طرفهای مذاکره جمهوری اسلامی بسیار ضعیف است.

ایران خواهان برچیده‌شدن تحریم‌های اقتصادی می‌باشد و آمریکا چنین شرطی را رد کرده است با این حال مذاکرات به کجا ختم می‌شود؟

تحریمها بطور کلی که خواست (به ظاهر) خامنه‌ای است، رفع نخواهند شد، چون در این صورت انتظارات و شرایط ایالات متحده آمریکا هم مطرح است و

این شرایط زیاد به نفع جمهوری اسلامی نیستند. اما با توجه به وضعیت رژیم و نیازهای آن برای بقای خود، امکان ادامه مذاکرات و رسیدن به برجام دوم وجود دارد. شرایط ایران و منطقه نسبت به چند سال پیش عوض شده و جمهوری اسلامی در چند سال گذشته نه تنها بدلیل فقدان صداقت، اعتماد به خود را دچار خدشه جدی کرده‌است. به همین خاطر الان بحثهای جدیدتری در میان است.

علی خامنه‌ای رهبر رژیم ایران چراغ سبزی برای انجام مذاکرات به آمریکا داده است اما آیا چراغ سبز دست تیم مذاکره کننده ایران را باز خواهد گذاشت؟

لازم است عرض کنم که شروع و ادامه مذاکرات هسته‌ای در دست خامنه‌ای است و بقیه کارگزاری بیش نیستند. بر همین اساس باز بودن دست هئیت مذاکره کننده در رابطه با مسائلی که پیش خواهند آمد، زیاد منطقی به نظر نمی‌رسد مگر با هماهنگی از پیش انجام شده با شخص خامنه‌ای. ولی این تاکید مهم است که تمام توافقات با تأیید مستقیم خامنه‌ای انجام شده و خواهد شد، حال این توافقات در هر حدی که باشد.

در داخل آمریکا نیز مخالفت جدی با بایدن وجود دارد که نباید به برجام باز گردد آیا بایدن می‌تواند آمریکا را جهت احیای برجام متحد کند؟

این واقعیت دمکراسی در آمریکا است که موافقت یا مخالفت با برجام در کنگره و حتی به نوعی در اداره بایدن وجود داشته باشد. اما در مقابل در جمهوری اسلامی در سطح دولت و مجلس کسی نمی‌تواند مخالف نظر خامنه‌ای حرفی بزند. اگرچه خامنه‌ای با استفاده از قوه قهریه و سرکوب، صدای مخالف را خفه می‌کند و به ظاهر وحدت ایجاد می‌کند، اما پرزیدنت بایدن نیازی به چنین وحدتی ندارد. به گمان من بایدن طبق قانون و بر اساس منافع آمریکا مذاکرات را پی‌گیری خواهد کرد و در نهایت رئیس جمهور آمریکا در چارچوب قانون منافع مردم آمریکا حرکت خواهد کرد. یعنی به عکس ایران که رهبر جمهوری اسلامی با یک حکم حکومتی می‌تواند حتی از ورود واکسن کرونا به داخل ایران جلوگیری کند، اما در آمریکا قانون حرف اول و آخر را خواهد زد. قانونی که فراتر از هر فردی در دستگاه سیاسی ایالات متحده آمریکا قرار دارد.

در صورت توافقی دیگر با ایران، وضعیت ایران در داخل چگونه خواهد شد؟

به باور من امکان رسیدن به برجام دوم هست و جمهوری اسلامی در قبال گرفتن یک سری امتیازات ابتدائی، که قبلا (یعنی قبل از تحریمها) از آن برخوردار بود، بدست خواهد آورد اما در مقابل شرایط دیگری نیز متحمل خواهد

شد. از جمله امنیت شهروندان دو تابعیتی که الان در زندان هستند، یا شاید بحث حقوق بشر، شفافیت مالی، مسله مهم تامین مالی و پشتیبانی نظامی گروههای تروریستی و شبه نظامی مورد حمایت جهوری اسلامی در منطقه و امنیت اسرائیل و غیره هم مطرح و تحمیل خواهند شد. این شرایط جدید به گشایشی نسبی در ایران که همانا تقلیل قدرت سرکوب و شکستن اقتدار جمهوری اسلامی در داخل خواهد بود، منجر خواهد شد. و این می‌تواند سراغاز اعتراضات جدید و گسترده‌تری در داخل گردد. به هر ترتیب جمهوری اسلامی در تنگنای بیشتری قرار خواهد گرفت.

مذاکرات وین تا چه اندازه می‌تواند امیدوارکننده باشد؟

بسیار سخت است که نتیجه مذاکرات را به دقتی پیش بینی کرد اما، به باور من برای طرفهای مقابل جمهوری اسلامی بطور حداکثری برد در پی خواهد داشت و برای رژیم حاکم بر ایران احتمالا بطور نسبی و حداقلی، برد در پی داشته باشد. اما به باور من در هر دو صورت یعنی به نتیجه رسیدن مذاکرات یا بلعکس، در هر دو حالت به نفع مردمان ایران و به زیان جمهوری اسلامی خواهد بود. به تعبیری دیگر ضربه‌های شکستندگی جمهوری اسلامی بسیار بالا رفته و با برجام یا بدون برجام، جمهوری اسلامی در مقابل مردمان معترض ایران قرار خواهد گرفت.

سانسور، راهکاری از جانب رژیم‌های دیکتاتوری به منظور عبور از بحران‌ها و ادامه‌ی بقاء



پیشوا صالحی

سنگینی صادر می‌کنند.

روش دیگری که سیستم‌های دیکتاتوری از آن استفاده بعمل می‌آورند سانسور از طریق اصطکاک یا حذف منابع اطلاعاتی می‌باشد، در بیشتر موارد اصطکاک مانند نوعی مالیات بر اطلاعات عمل می‌کند زیرا این روش به صورت مستقیم هزینه‌های توزیع و دسترسی به اطلاعات را افزایش می‌دهد، برای

سانسور روشی است که به وسیله‌ی آن نه تنها اعمال، بلکه انگیزه‌های اعمال انسان را در ابراز عقاید، اندیشه‌ها و احساسات را با

اطلاعات عمدا افزایش یافته است و در اصل منظور این است که مردم از پیگیری و دسترسی به اطلاعات مأیوس شوند. پیامدهای اصطکاک در توزیع اطلاعات به اندازه‌ی ترس در توزیع اطلاعات به چشم نمی‌آید به همین دلیل احتمال واکنش منفی شهروندان به آن کمتر است و به اندازه‌ی ترس در توزیع اطلاعات مؤثر نیست و در جوامعی که

اطلاعاتی شود که رژیم‌های تمامیت‌خواه به شدت از انتشار آنها در هراسند، با استفاده از این راهکار اطلاعات بی‌ارزش و سوخته در اختیار رسانه‌ها قرار داده می‌شود و از طریق آن به صورت غیرمستقیم بر مردم و حتی رسانه‌ها تأثیر منفی گذاشته می‌شود زیرا در این صورت مردمی که به دلیل مشکلات معیشتی و اجتماعی وقت کافی برای دنبال

اطلاعاتی می‌باشد که برای رژیم بسیار خطرناک می‌باشد، با تزریق اطلاعات طبقه‌بندی شده و سوخته توسط عوامل رژیم‌های دیکتاتوری مردم از دسترسی به اطلاعات به روز و موثر محروم خواهند شد چون اکثریت قریب به اتفاق مردم مخصوصا در جوامعی که به دلیل بی‌کفایتی و بی‌مسئولیتی سردمداران رژیم در رأس قدرت از مشکلات اقتصادی و اجتماعی

جامعه را آنچنان تحت فشار قرار دهد که مردم تحت حاکمیتش از هر گونه فکر کردن، ناتوان و عاجز شوند.

هر چند بقای کلیه‌ی سیستم‌های دیکتاتوری به ناآگاهی و تحت فشار بودن مردم بستگی دارد اما اگر فشارهای وارد شده از حد معین عبور کند مردم جامعه بنا به ویژگی‌های مخصوص به خود دیگر تاب توان و تحمل خود

فیلتر اپلیکیشن‌ها در فضای مجازی و در مقابل آن ایجاد و توزیع برنامه‌های فیلترشکن از طریق خود رژیم، ایجاد پارازیت بر شبکه‌های ماهواره‌ای و مواردی از این قبیل، چنین اعمالی توجه افراد و رسانه‌ها را از دریافت و انعکاس اطلاعات منحرف می‌سازد، بدین وسیله هزینه‌ی جمع‌آوری، تحلیل و توزیع اطلاعات افزایش می‌یابد بدون اینکه دسترسی یا توزیع این اطلاعات هزینه‌ی کیفری در پی داشته باشد و فقط دسترسی افراد یا رسانه‌ها به این اطلاعات و توزیع آن کاهش می‌یابد.

نمونه فیلتر اپلیکیشن‌ها در فضای مجازی و در مقابل آن ایجاد و توزیع برنامه‌های فیلترشکن از طریق خود رژیم، ایجاد پارازیت بر شبکه‌های ماهواره‌ای و مواردی از این قبیل، چنین اعمالی توجه افراد و رسانه‌ها را از دریافت و انعکاس اطلاعات منحرف می‌سازد، بدین وسیله هزینه‌ی جمع‌آوری، تحلیل

نوعی محدودیت روبرو می‌سازد، به صورت کلی می‌توان این چنین گفت که سانسور در سیستم‌های دیکتاتوری به معنای تفتیش و حذف مطالب کتابها، روزنامه و مجلات، فیلم و نمایشنامه‌ها، اخبار و بسیاری از موارد دیگر می‌باشد که به وسیله‌ی دولت انجام می‌گیرد در صورتی که بر ضد منافعشان عمل کنند.

سیستم‌های دیکتاتوری برای سانسور اطلاعات روش‌های گوناگونی را مورد استفاده قرار می‌دهند که مهمترین آنها سانسور به وسیله‌ی ترس می‌باشد، در این راهکار دیکتاتور ترس در بیان یا دسترسی به اطلاعات را محدود می‌سازد به گونه‌ای که تلاش می‌کند مردم را از کشف حقایق باز دارد، برای نمونه در ایران بیان و ردوبدل کردن اطلاعاتی که ساختار اصلی و اعمال رژیم نامشروع حاکم بر ایران را برای مردم شفاف سازد را اقدام علیه امنیت ملی و تبلیغ علیه نظام نام برده و برای آن جزا و حکم‌های

آگاهی سیاسی مردم در سطح بالایی قرار داشته باشد نمی‌تواند جوابگو نیاز رژیم‌های دیکتاتوری باشد.

در رابطه با سانسور از طریق حذف به ترور اشخاص سیاسی یا منهدم ساختن منابع یا وسائل ارتباطی که مردم از طریق آن بتوانند به اطلاعات دسترسی پیدا کنند

و پیدا کردن اطلاعات صحیح و تأثیرگذار را ندارند به اطلاعات کم‌ارزش یا بی‌ارزش بسیار زیادی دسترسی پیدا می‌کنند و حواسشان از اطلاعات مهم و ارزشمند پرت می‌شود. سرازیرکردن اطلاعات مایه‌ی حواس‌پرتی افراد جامعه می‌شود و در برخی موارد موجب ناامیدی،

عدیدهای رنج می‌برند، عمدتا دچار فقر در آگاهی سیاسی می‌شوند، چنین جوامعی وقت لازم و توانایی جدا نمودن اطلاعات سوخته و بی‌استفاده را از اطلاعات به‌روز و موثر را نخواهند داشت به همین دلیل مورد تأثیر اطلاعات عوام فریبانه و سانسور شده‌ی رژیم‌های دیکتاتوری قرار می‌گیرند.

را از دست خواهند داد و با هر روشی که برایشان میسر باشد در مقابل نظام دیکتاتوری شورش خواهند کرد، اگر انرژی آزاد شده در شورش کافی باشد و کلیه‌ی شرایط برای یک انقلاب فراهم باشد بدون شک سرنگونی نظام دیکتاتوری حتمی است. بدون شک میزان صبر و حوصله‌ی ملت‌های گوناگون بر اساس سرگذشت و رنج‌های تاریخی شان هم‌اندازه نیست، این را می‌توان در ایرانی مشاهده نمود که پیکره و جغرافیای سیاسی‌اش توسط چندین ملت متفاوت از هم متشکل شده است، برخی از این ملتها سال‌هاست برای آزادی و سرنگونی نظام دیکتاتوری حاکم در ایران مبارزه می‌کنند و برخی دیگر با وجود ناعدالتی و فشارهای موجود نه تنها هیچ عکس‌العملی در قبال ظلم و ستم رژیم حاکم نشان نمی‌دهند بلکه هیچ میل و رغبتی برای رسیدن به آزادی و سرنگونی نظام را از خود نشان نمی‌دهند!

باید اپوزسیون ایرانی و روشنفکران به جای حذف صورت مسئله با دفاع از حق تعیین سرنوشت ملتها و به جای بحث‌های بیهوده بر روی این موضوعات تمرکز کنند که آیا باهم بودن به نفع ملتها است یا استقلال آن‌ها.

می‌توان اشاره داشت.

روش دیگری که بیشتر مورد استفاده‌ی حکومت های دیکتاتوری قرار می‌گیرد و بسیار کم هزینه نیز می‌باشد، سانسور به وسیله‌ی سرازیر کردن اطلاعات است.

سرازیر کردن برخی از اطلاعات می‌تواند باعث کاهش تأثیرات

به‌طور کل سرازیرکردن اطلاعات حتی از اصطکاک هم کمتر به چشم می‌آید زیرا هزینه‌های کسب اطلاعات صحیح را به صورت غیرمستقیم افزایش می‌دهد که مهمترین آن سپری شدن وقت افراد کم درآمد جامعه می‌باشد.

در اصل هدف از طرح ریزی چنین راهکاری مخفی نگاه داشتن

رژیم دیکتاتوری جمهوری اسلامی ایران نیز در کنار محدودیت‌هایی که در پوشش، دادخواهی، انتخاب و آگاهی برای در اختیار داشتن کنترل مردم تعیین می‌کند در تلاش است تا با گسترش فقر، انواع اعتیاد، مشکلات متعدد آموزشی، معنوی، درمانی، اجتماعی و همچنین سانسور، تا حد ممکن

کوردستان

خلاصه نویسی کتاب «داعش خشونت شرقی و نقد عقل فاشیستی»

اثر بختیار علی خلاصه‌نویسی: کوردستان نقدهای

در مقاله نخست بختیار علی با رویکرد فلسفی و نگاه انتقادی به فرهنگ شرقی به بررسی پدیدهی داعش پرداخته است. در این نوشتار او به صراحت می گوید داعش تنها نمایندهی نیرویی وحشی و خطرناک و بی رحم نیست که در درون دیگری خوابیده است، بلکه نمایانگر نیرویی ترسناک و تاریک است و نیز مکانیسمی برای معامله و برخورد با قدرت و انسان؛ داعش دروازه‌ای برای فهم روان انسان ها و تاریخ صد سال اخیر این منطقه است. داعش همان ماشین فاشیستی است که در سدهی اخیر، شرق گاهی آن را فرا می خواند و گاه آن را از خود می راند. گاهی نام آن را تغییر می دهد، صورت دیگری به آن می بخشد، آن را سرکوب می کند و گاهی به آن لعاب دینی، مارکسیستی، ناسیونالیستی و لیبرالیستی می بخشد اما همواره همچون کابوسی باز می گردد.

بختیار علی می گوید: ... داعش تنها برجسته سازی و شکل بنیادی تر همان قالب ایدئولوژیکی است که بیشتر در سیمای بعضی ها، القاعده، آتاتورکیسم و دیگر گروه‌های افراطی ظاهر شده بود. پدیدهای است که گاه در قالب دولت و گاه در قالب ضد دولت خود را نشان میدهد. وی با به چالش کشیدن نظام کاپیتالیسم شرقی و همچنین گروه‌های سیاسی منطقه، داعش را پیامد سیاست های نادرست مبتنی بر تعریف و تمایز هویت ها و ساختن مرزهای آهنین میان خود و دیگری می داند. این هویت چنان در درون مرزهای خود اسیر شده است که توانایی پذیرش هیچ هویت دیگری را ندارد و با تاکید بر راستین بودن هویت خود و دروغین خواندن هویت دیگری سعی در از بین بردن آن دارد. بختیار علی این پدیده را در پایان مقاله‌ی مورد نقل این گونه تبیین می کند:

داعش نیرویی بیگانه و غریب نیست، نیرویی متفاوت از معادله‌هایی نیست که از دورن لایه‌های زیرین، کلیت جامعه را به جنبش و حرکت وا می دارد. داعش، بعث و تعدادی نام دیگر ماشین های فاشیستی هستند که نیروشان در این است که در شیوه های ناهماهنگ و متضاد ظاهر شوند.

در اینجا ساختار کلی از طریق تقدیس کردن تفاوت گذاری میان بخش های مختلف عمل می کند. ماشین همان ماشین خواهد بود، با همان میل و اخلاق و ساختار و با همان

نگرش و دیدگاه نسبت به انسان. تنها چیزی که تغییر خواهد کرد، نام های آن است و همچنین مکان و زمان ظاهر شدن.

در مقاله ی دوم، بختیار علی با استفاده از تعریف نیکلاس لومان در مورد قدرت که آن را بر اساس رابطه‌ی میان دو طرف معادله‌ی قدرت توصیف می کند، بر این باور است که در معادله‌ی قدرت میان داعش و مردم و نیروهای منطقه، این معادله‌ی لومانی برهم خورده است. به جای گزاره‌ی ممکن است به گونه ی دیگری رفتار کنم که در معادله‌ی لومان نوعی تهدید پنهان دورنی برای حفظ قدرت است، گزاره‌ی اکنون به گونه‌ی دیگری رفتار خواهم کرد می نشیند و این تهدید دورنی عملی می شود و معادله کاملاً برهم می خورد. از این رو بختیار علی معتقد است داعش قدرت ندارد بلکه از حضور دیگری وحشت دارد. به همین دلیل تنها با حذف دیگری، نه با بستن قرارداد با او می تواند به حیات خو ادامه دهد .

در این مقاله بختیار علی پس از بیان چند نکته‌ی اساسی درباره‌ی ماهیت داعش، به بیان راهکار مبارزه با داعش می پردازد و می گوید:

«مقایله با داعش تنها با مقابله‌ی نظامی انجام نخواهد گرفت، بلکه زمانی می‌توان به مقایله با داعش برخاست که از کلیت تفکر فاشیستی خارج شویم. تفکری که بر اساس الحاق کردن خود به قومیت و مذهب شکل گرفته است. این بدین معنا نیست که انسان دست از هویت خود بردارد، آن گونه که تبلیغات فاشیستی از آن به عنوان راهی جهت خنثی کردن ایده‌های مخالف با فاشیسم استفاده می کنند، بلکه به این معنا است که با استفاده از هیچ هویت دینی و ملی ای دیگری بیگانه ساخته نشود.»

در مقاله‌ی سوم، بختیار علی با استفاده از مفهوم هویت و تاثیر آن برگروه‌های قومی و قبیلهای خاورمیانه و شرق در بروز خشونت میان نیروهای این منطقه، در تلاش است تا با استفاده از این مفهوم و بررسی دو نوع از هویت یعنی، هویت ثابت و همیشگی، و هویت موقت و لحظهای نشان دهد که هویت می تواند نقش اساسی در بوجود آمدن ایدئولوژی های بسته و فاشیستی داشته باشد.

هویت های همیشگی آن هویت هایی هستند که پیشاپیش تعریف جامع و بسته‌های از آن ها ارائه می شود و سوژه‌های انسانی را به پیروی و تبعیت از آن وامی دارند. هویتی که هرگز دچار تغییر نخواهد شد و سوژه ناچار است خود را با

آن تعریف کند. هر انسان و گروه دیگری نیز که در درون این هویت قرار نداشته باشند به عنوان «دیگری» و دشمن نگریسته خواهد شد و تلاش برای نابودی دشمنان در صدر برنامه‌های سوژه‌های ایدئولوژیک قرار خواهند گرفت. در مقابل اما، هویت

لحظهای، هویتی گشوده و در حال تغییر است که می تواند بنا به شرایط زمان و مکان مشخص تغییر کند و با دیگر هویت ها رابطهای دوستانه داشته باشد. هویتی که تنها خود را به عنوان مرکز عالم و مبنای حقیقت نمی بیند. داعش در این تفسیر به همراه دیگر گروه‌های افراطی تروریستی که دارای هویت همیشگی و ایدئولوژی بسته هستند، تمام دیگر هویت های منطقه را به چشم دشمن می نگرند

و وظیفه‌ی خود می دانند با از بین بردن هر هویت دیگری درستی و حقیقت هویت خود را به اثبات برسانند .

در این مقاله بختیار علی همچنین، به ورود مدرنیسم به شرق اشاره می کند. مدرنیسم که بر اساس عدم ثبات و تغییر به وجود آمده است، سبب ایجاد نوعی تناقض در میان گروه‌ها و ملت ها و هویت های این منطقه شده است. از یک طرف این گروه ها قائل به داشتن هویت ثابت و همیشگی هستند و از طرف دیگر با ورود مدرنیسم و تغییر هر روزی ظاهر شهرها و معماری مدرن، خود این گروه‌ها در پی استفاده از این تغییر برآمده و با استفاده از مدرنیزاسیون سعی در نشان دادن تغییر در ماهیت خود دارند، هرچند که این استفاده اِبزاری از مدرنیته و معماری تلاشی، برای نشان دادن تغییر است،

اما در ماهیت خود هیچ گونه تغییری ایجاد نخواهند کرد و همچنان بر اساس هویت ابدی در تلاش

خواهند بود و همواره با نام آن

هویت سعی در اعمال خشونت و از بین بردن دیگری دارند . مقاله‌ی بعدی با عنوان «فاشیسم و تفاوت» باز هم تلاشی در جهت تبیین هویت و قائل بودن تفاوت از جانب نیروهای منطقه است. تفاوتی که بر اساس «من خوب» و «دیگری بد» شکل گرفته

است. و باز در اینجا هم، همین نگرش در تفاوت منجر به تلاش برای حذف «دیگری بد» خواهد شد و خشونت و ترور حاصل آن خواهد بود. بختیار علی در این نوشتار با استفاده از مفاهیم نیچهای و دلوزی سعی در تبیین این نظر دارد .

در مقاله ی «کوبانی روح مقاومت»، بختیار علی به بررسی علل و عوامل مقاومت مردم عادی در کوبانی می پردازد و با اشاره به ناقص بودن تنوری هگل، در رابطه‌ی ارباب و برده، شکل نوینی از

رابطه را توصیف می کند که در آن دیگر ارباب تنها با تسلیم و تعظیم برده، احساس ارباب بودن خود نخواهد داشت و با مرگ او است که می تواند ارباب بودن خود را ثابت کند. در این میان، به باور بختیار علی آنچه مهم تر از دو طرف کشمکش، یعنی ارباب و برده است، طرف سوم است که نقش «فریادرس» را بازی می کند. بختیار علی در این مقاله با استفاده از مفهوم «حیات برهنه»، البته

نه در آن معنایی که «جورجواگامبن» به کاربرده است، سعی می کند تا دلیل مقاومت مردم کوبانی را حفظ حیات برهنه‌ی خویش بداند؛ دفاعی که در مقابل اربابی انجام می شود که تنها با مرگ و سر بریدن برده احساس اربابی خواهد کرد. بختیار علی نقش فریادرس را به این نظریه بر می گرداند که چون نظام سیاسی جهانی نمی خواهد اذعان کند که این نوع جدید از رابطه حاصل خود این

نظام است، سعی در بازگرداندن دفاع از کوبانی به داخل نظام دارد و آن را عملی ضد تروریسم و دشمنان نظام جهانی می داند. اما بختیار علی معتقد است که دفاع از کوبانی دفاعی است به منظور بازگشت به وضعیت قبل از هرگونه ایدئولوژی و نظام سیاسی و فرهنگی؛ بازگشت به انسان طبیعی،

البته نه در معنای «هایز»ی آن، بلکه در معنایی که انسان جز خود امید به هیچ و کیل و فریادرسی جهت برقراری نظم و آرامش ندارد . مقاله‌ی بعدی مقالهای از مریوان وریا قانع است با نام «روح دفاع

در کوبانی از کجا ناشی می شود؟» که درآن سعی دارد به نقد مقاله‌ی بختیار علی بنشیند و تلقی او از حیات برهنه و انسان طبیعی را به چالش بکشد و نشان دهد که دفاع مردم در کوبانی نه به دلیل حفظ جان، بلکه بخاطر ناسیونالیسم است. مریوان با اشاره به نظریه‌ی «بندیکت اندرسون»، می گوید که ناسیونالیسم جنبه‌ی آرمانی دارد و کوبانی همان

آرمانشهر ناسیونالیسم است. وی همچنین به این اشاره می کند که کوبانی نوعی «پولیس یونانی» است، یعنی همان دولت شهرهای یونان باستان است .

بختیار علی در مقاله‌ی بعدی به انتقادات مریوان وریا قانع پاسخ داده است و سعی دارد نشان دهد که برداشت او از نوشتارش سطحی بوده و نیاز به دقت بیشتری دارد. همچنین بختیار علی برخی نظریات فیلسوفان غربی که مریوان وریا قانع از آن ها استفاده کرده است را بازخوانی می کند تا نشان دهد مریوان وریا قانع در به کارگیری این تنوری ها دانسته یا نادانسته دچار اشتباه شده است.

بختیار علی همچنین به این اشاره می کند که برخی نویسندگان در نوشته‌ها و نظرات خود سعی دارند هرگونه جنبش بیرون از نظام و عمل انسانی را به نفع نظام و س‌عی دارد کوبانی را به سوی کلان روایت ناسیونالیسم و یا مارکسیسم و جنبش چپ بکشد. در مقاله‌ی بعدی مریوان وریا قانع «اسلاو ژژیک»، فیلسوف اسلونیایی را بازخوانی می کند و به

انتقاد از ایده‌ها و نوشته‌های او می پردازد و با اشاره به اینکه سخنان او موجب نوعی افراطی گری و خشونت فاشیستی خواهد شد، می گوید که شرق در صد سال پیش و قرن نوزدهم با سخنان «سید قطب» این نوع از رادیکال بودن را تجربه کرده است و با تشبیه ژژیک به سید قطب، نشان می دهد

راه کاری که ژژیک برای ما پیشنهاد می کند، پیشتر تجربه شده است و حاصل آن گروه‌های تندرو و تروریستی نظیر «القاعده» و «داعش» بوده است. مریوان وریا قانع ریشه‌ی این گروه‌ها را به نظریات سید قطب برمی گرداند و به مفهوم جهاد علیه نظام جهالت جهانی که یکی از مفاهیم کلیدی سید قطب است می پردازد. او با بیان اینکه سید قطب معتقد بود در جهان کنون جهالت جهانی سعی در از بین بردن اسلام دارد، به این نتیجه می رسید که نیرویی انقلابی و از جان گذشته نیاز است تا

همچون «صحابه‌ی جدید»، عزم به گسترش اسلام داشته باشند و در این راه از هیچ کوششی دریغ نکنند. مریوان وریا قانع می گوید که ژژیک نیز برای نظام چنین نظرات رادیکالی دارد و قهرمانی که او برای این کار انتخاب می کند دارای همان ویژگی «صحابه‌ی جدید» در اندیشه‌ی سید قطب است .

مقاله‌ی بعدی که باز هم به قلم بختیار علی است، با عنوان «خوانش ژژیک از هگل» سعی دارد

نشان دهد برداشت مریوان وریا قانع و دیگر نویسندگان جوامع شرقی و حتی برخی نویسندگان غربی درباره‌ی ژژیک و فلسفه‌ی او نادرست است. برای درک ژژیک باید هگل و لاکان را به خوبی درک کرد، تا متوجه شد که آنچه در نظریات ژژیک به عنوان افراطی گرایی و خشونت دیده می شود، بنابه تفسیر هگلی راهی برای درهم شکستن نظام سرمایه‌داری و دفاع از فرهنگ محلی برای

تبدیل به آرمان و فرهنگی جهانی است، نه دفاع از فاشیسم و افراطی گرایی .

آخرین نوشتار این کتاب گفت و گویی از منصور تیغوری با بختیار علی است که در آن به بررسی مفهوم خشونت و فاشیسم در شرق و خاورمیانه می پردازد و سعی در روشن کردن مفهوم و منظور خود از به کارگیری «فاشیسم شرقی» در برابر مفهوم کلاسیک و غربی فاشیسم دارد.

در این گفتگو بختیار علی با اشاره به این که همواره اولین نوشته‌های خود چه در قالب رمان و شعر و چه مقالات نظری اش در پی تبیین فاشیسم شرقی بوده است، اشاره می کند که برخی برداشت ها و تفاسیر از تلقی او از این مفهوم ناپجا و نادرست بوده که نشان از آن دارد ای تمامی نوشته‌های او به

سیستم جنایتکار



آگری اسماعیل نژاد

در پلاتفرم کلابهاوس ادعا کرد که پدرش در ترور میکونوس نقش نداشته است، اما او اشاره نکرد که کدام یک از سران جمهوری اسلامی در این ترور نقش اصلی را داشته است .

قبل از هر مسئله‌ای باید این نکته را یادآوری کرد که مسئله مخالفت هاشمی با ترور در اروپا در اواخر دهه ۸۰ شمسی و از طریق محافل سابق امنیتی مطرح شد، آنها در آن مقطع با اشاره به این مسئله که برای ساماندهی سیاست خارجی آنها سیاست "غرب بدون آمریکا" را بعد از جنگ در پیش گرفتند ، اما این سیاست با ترورهای انجام شده اروپا و به مشخصی در پی دادگاه میکونوس شکست خورده است. قبل از رئیس جمهور شدن و در

سال ۱۳۹۰ حسن روحانی در کتاب "امنیت ملی و پرونده هسته‌ای" با اشاره به دادگاه میکونوس به این اشاره می‌کند که یکی از دلیل همکاری نکردن اروپایی‌ها با پروژه هسته‌ای جمهوری اسلامی مسئله دادگاه میکونوس بوده است.

و بلاخره قبل از فائزه هاشمی هم عبدالله رمضانزاده، سخنگوی دولت دوم اصلاح‌طلبها یکی از دلیل قدرت گرفتن اصلاح‌طلبها در ایران را حکم پرونده میکونوس قلمداد کرد.^(۱)

در اینجا اشاره به گفته‌های مسئولین رده بالای رژیم در مورد میکونوس فقط بازکردن مقدمه‌ای است بر مسئله سیستم جنایت‌کار جمهوری اسلامی و نقش سران آن در هدایت این سیستم.

آنچه نمایان است و طبق گفته‌های شاهد C در دادگاه میکونوس کمیته ویژه در جمهوری اسلامی که متشکل از وزیر اطلاعات، وزیر خارجه، رئیس جمهور وقت و علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی بود، حکم ترور مخالفین را صادر می‌کردند و جدا از این مسئله بعد از ۴۲ سال از شکل‌گیری رژیم اسلامی در ایران دیگر بر همگان محرز شده است که این رژیم از ابزار ترور در سطح بین‌المللی برای تحقق خواست‌های سیاسی خود استفاده می‌کند. کوتاه‌ترین معنی این رفتار این است که سیستم جنایت‌کار جمهوری اسلامی نه تنها ترور را علیه مخالفین سیاسی خود بکار گرفته است، بلکه ترور را به رویه‌ای علیه دولت‌ها خارجی هم تبدیل کرده است.

در چنین سیستمی که ترور دولتی به عنوان یک راهکار جهت تحقق خواسته‌های تبدیل شده است، باید اینجا توجه کرد که ترور تنها یک راهکار نیست، بلکه راهکاری در دست یک سیستم جنایت‌کار است، پس می‌تواند یکی از گردانندگان این سیستم در مواردی با نوع ترور یا زمان ترور یا مکان ترور مخالف باشد، اما این بدین معنی نیست که او از جنایت تبرئه شده است و با تروریسم دولتی مخالف است، بلکه او در یک مورد مشخص است که یک ترور شاید مخالف

بوده باشد و آن هم به دلیل سیاست غرب بدون آمریکا بوده است؛ ولی این مخالفت به معنی این نیست که او با ترور زنده یاد دکتر صادق شرف‌کندی در جغرافیای غیر اتحادیه اروپا مخالف هم بوده یا اینکه اصلا با راهکار تروریسم دولتی مخالف بوده، چون کما اینکه در طول چهار سال، دولت دوم همین هاشمی رفسنجانی صدها نفر از همسنگران دکتر شرف‌کندی را در اقلیم کوردستان و توسط جمهوری اسلامی ترور کرده‌اند.

منبع:

<https://bit.ly/2OXMUXx> (1)

ادامه صفحه ۶

دقت خوانده نشده‌اند و یا برخی در پی این هستند که مانع از روشن شدن این مفهوم شوند تا همچنان بتوانند به رویکرد فاشیستی خود ادامه دهند .

چه چیز سبب ظهور خشونت و گروه‌های خشونت‌طلبی نظیر داعش در شرق میشود؟ ماهیت فلسفی و هستی‌شناختی این نوع از خشونت و این گروه‌های تروریستی که خشونت را به آخرین حد خود رسانده‌اند چیست؟ آیا عوامل خارجی در ظهور آن موثر بوده‌اند؟ آیا نظام‌های سیاسی منطقه به ظهور آن کمک کرده‌اند؟ روح دفاع قهرمانانه در کوبانی از کجا ناشی میشود؟ اینها پرسشهای جدی‌ایست

که نویسنده کتاب «داعش؛ خشونت‌شرقی و نقد عقل فاشیستی»

را وادار به واکاوی و پژوهش در این زمینه کرده است. بختیار علی در مقاله «داعش، ماشین فاشیستی» با رویکردی فلسفی و نگاه انتقادی درصدد واکاوی فرهنگ شرقی‌ایست. از نظر او «داعش تنها نماینده‌ی نیرویی وحشی و خطرناک و بیرحم نیست که در درون «دیگری» خوابیده باشد، بلکه نمایانگر نیرویی ترسناک و تاریک است و نیز مکانیسمی برای معامله و برخورد با قدرت و انسان؛ داعش دروازه‌ای برای فهم روان انسانها و تاریخ صدساله اخیر این منطقه است . داعش همان ماشین فاشیستی است که در سده‌ی اخیر، شرق گاهی آن را فرا میخواند و گاه آن

را از خود میراند. گاهی نام آن را تغییر میدهد، صورت دیگری به آن میبخشد، آن را سرکوب میکند. هربار با ظاهری دیگرگون باز میگردد و هویت ایدئولوژی دیگری را نمایندگی میکند. داعش زاده‌ی ایدئولوژی تمایز قائلشدن و فاصله‌گیری و ایجاد طبقاتی است که در مرحله‌ی توهم و خیال باقی مانده بودند. آنچه در شرق شکست میخورد، پروژهی اتحاد و هماهنگی و شباهت نیست، بلکه پروژهی ساختن تفاوتها است. اصرار شدید و مطلق هویت‌های مختلف بر جدایی از هم، آنها را به سوی شباهتهای ترسناکی کشانده است. همانگونه که آگامبن میگوید : تلاش بسیار انسان برای تمایز قائلشدن میان خود با حیوان، او را به سوی نا-انسان بودن کشانده است. انکار و ندیدن و عدم اعتراف

به شباهتها، ماهیتهای مختلف در شرق را به سوی جدایی و تفاوت نکشانده است، بلکه آنها را به سوی نزدیکی و شباهت سوق داده است . در مقاله «داعش، جستاری مقدماتی درباره‌ی تکنیکهای تفسیر و مقاومت» یک خوانش لومانی از معادله قدرت دارد. او معتقد است در معادله‌ی قدرت میان داعش و مردم و نیروهای منطقه این معادله نیکولاس لومان برهم خورده است. به جای گزارهی «ممکن است به گونه‌های دیگر رفتار کنیم» که در معادله لومان نوعی تهدید پنهان و درونی برای حفظ قدرت است گزارهی «اکنون به گونه‌های دیگر رفتار خواهیم کرد» مینشیند و این تهدید درونی آشکار و عملی میشود. بختیار علی

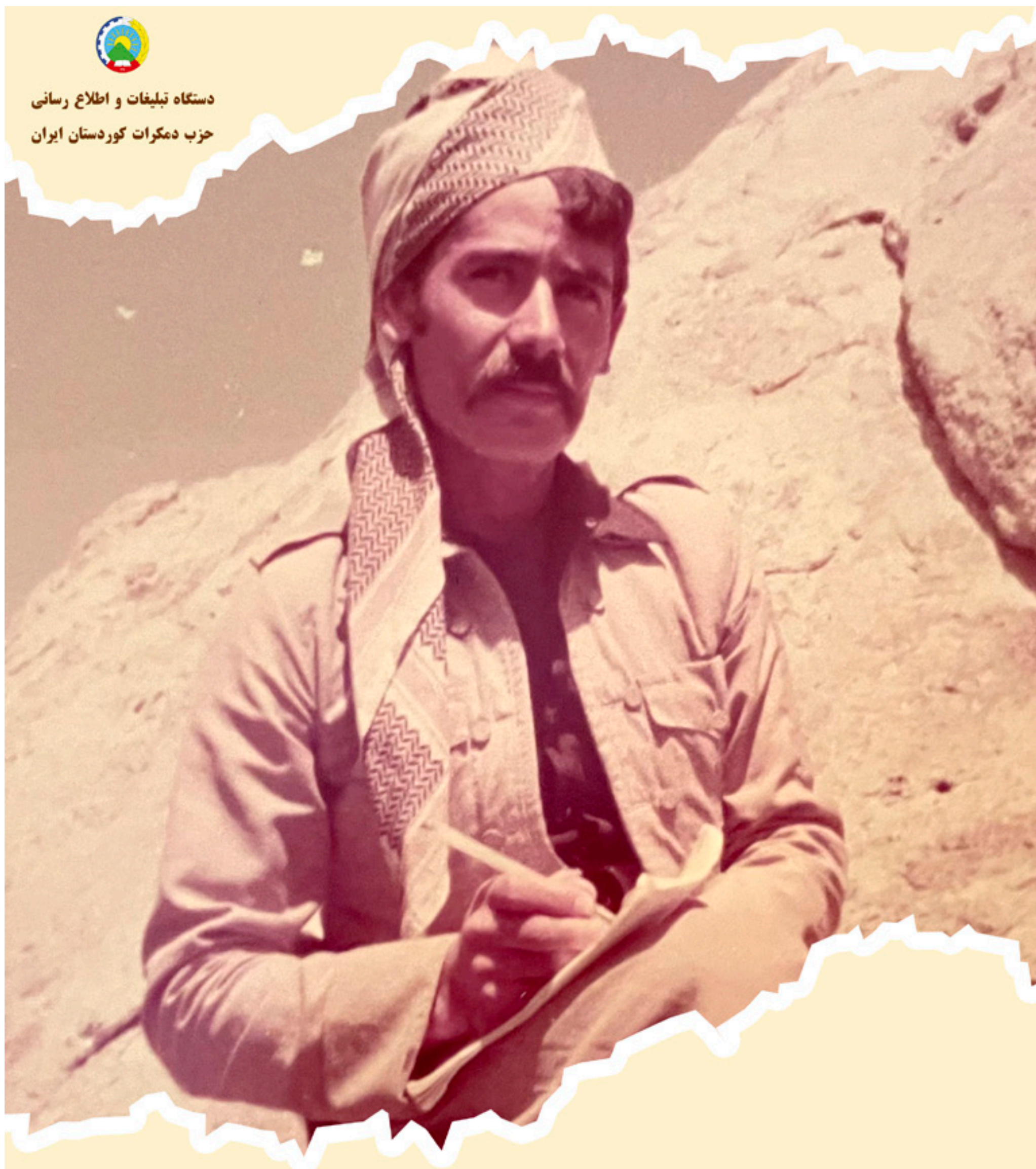
معتقد است داعش قدرت ندارد بلکه از حضور «دیگری» وحشت دارد . برای حفظ خود باید دیگری را حذف کند . از نظر بختیارعلی راهکار مبارزه با داعش اینگونه است : مقابله با داعش تنها با مقابله‌ی نظامی انجام نخواهد گرفت، بلکه زمانی میتوان به مقابله با داعش برخاست که از کلیت تفکر فاشیستی خارج شویم. تفکری که بر اساس الحاق کردن خود به قومیت و مذهب شکل گرفته است . در مقاله «هویت ابدی/ هویت موقت»، او هویت را واکاوی میکند. از نظر وی هویت ابدی هویتی همیشگی است که پیشاپیش، تعریف جامع و بستهای از آن ارائه میشود و سوژهی انسانی را به پیروی و تبعیت از آن وا میدارد.

هویتی که هرگز دچار تغییر نخواهد شد. هر انسان و گروهی که درون این هویت نباشد به عنوان «دیگری» و «دشمن» نگریسته خواهد شد و تلاش برای نابودی دشمن در صدر برنامه قرار خواهد گرفت. در مقابل آن هویت موقت و سیال، هویتی گشوده و قابل تغییر است. گشوده‌گیای که امکان رابطه دوستان با هویت‌های دیگر را داراست. هویتی‌ایست که خود را مرکز عالم و مبنای حقیقت قرار نمیدهد . این خلاصه‌ای از تفکر نظری‌ایست که بختیار علی با سنت لکان و نولکانی به تفکر داعش پرداخته است. در این کتاب منظور از «تفکر» سیستمی از ایده‌های بسته و خطرناک است که هر از گاهی خود را در قالب ایدئولوژی همانند داعش، القاعده، طالبانی و ... ظاهر میکند.



دستگاه تبلیغات و اطلاع رسانی

حزب دمکرات کوردستان ایران



تو از نسل مبارزان همیشه انقلابی هستی

تو در راه قاسملو زندگی را معنا کرده و

از طناب اعدام قاضی یاد گرفتی مرگ برای پیشمرگه معنا ندارد

تو همسنگر صادق مبارزان و رفیق همیشگی

شهیدان و تسلیم‌ناپذیری بودی